



عنوان مقاله:

«حقیقت رزق»

استاد ارجمند:

«حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین نجفی کانی (زید عزّه)»

پژوهشگر:

«علیرضا بامشاد»

مقطع تحصیلی:

«پایه دو»

شماره پرونده:

۹۴۱۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان مقاله:

حقیقت رزق

چکیده:

مسئله چیستی و حقیقت رزق از جمله مباحثی است که از دیرباز ذهن متکلمین مذاهب مختلف کلامی را به خود مشغول داشته است و این سؤال که چه رابطه‌ای میان تلاش انسان و سعی او در کسب رزق از سوئی و رزاقیت از سوی دیگر وجود دارد همواره در ذهن متکلمین وجود داشته است. آگاهی بر حقیقت و چیستی رزق تأثیر شگرفی در جهان‌بینی و ایدئولوژی انسان‌ها و نوع نگاه آن‌ها به کار و فعالیت و برنامه‌ریزی اقتصادی دارد. در این اثر با جمع‌بندی و بهره‌مندی از اقوال متکلمین و بررسی روایات باب به این نتیجه می‌رسیم که اولاً، انسان مأمور به تلاش است؛ ثانیاً، بعضی رزق‌ها از جانب خداوند به همه انسان‌ها تعلق می‌گیرد و برخی دیگر جز با تلاش و کوشش حاصل نمی‌گردد. ثالثاً، آنچه برای دستیابی به رزق مهم است اصل تلاش و کوشش متعارف در مسیر طلب رزق در مظان آن است و فعالیت بیش از مقدار متعارف مطلوب نبوده، تأثیری هم در زیادت رزق ندارد.

کلیدواژه: حقیقت رزق، رزق مقسوم، فعالیت انسان، فضل الهی.

فهرست مطالب

چکیده:	۲
مقدمه:	۵
فصل اول: معانی، پیشینه و سیر تطوّر بحث رزق	۶
گفتار اول: بررسی لغوی واژه رزق:	۶
گفتار دوم: پیشینه و سیر تطوّر بحث رزق:	۸
فصل دوم: نگاهی اجمالی به آیات و روایات پیرامون رزق در قرآن کریم و روایات معصومین ۷	۱۲
گفتار اول: بررسی آیات پیرامون رزق در قرآن کریم	۱۲
گفتار دوم: بررسی روایات پیرامون رزق در سخنان معصومین ۷	۱۶
فصل سوم: جمع بندی	۱۹
گفتار اول: نتیجه گیری	۱۹
گفتار دوم: سخن مؤلف	۲۰
فهرست منابع و مآخذ	۲۱

مقدمه:

رزق در لغت به معنای عطا و نعمت دادن است، اعم از این که این نعمت ماکول باشد یا خیر و در اصطلاح متکلمین اشاعره عبارت است از: هر حلال یا حرامی است که موجودی از آن بهره‌مند شده باشد و متکلمین معتزله معتقدند که، هر چه انتفاع و بکار بردن آن جائز باشد و کسی نتواند انسان را از آن منع کند رزق است.

مسئله رزق برای اولین بار در قرن دوم هجری توسط علمای زیدیه با طرح این سؤالات که آیا ارزاق نزد خداوند تقسیم شده است؟ آیا روزی‌ها اندازه معینی دارد؟ و اینکه تعیین‌کننده ارزاق کیست؟ وارد مسائل کلامی شد و این مباحث تا قرن هشتم با سرفصل‌هایی چون تعریف رزق نزد عدلیه و اشاعره، اینکه حرام رزق است یا خیر، طلب رزق جائز است یا خیر ادامه یافت. از آنجائیکه مساله چیستی رزق در نظام کسب و کار و نگاه انسان به تلاش و فعالیت اقتصادی مؤثر است، در این مقاله تلاش شده ضمن جمع‌بندی آراء کلامی و پرداختن به پیشینه و سیر تاریخی این بحث، روایات باب مورد بررسی قرار بگیرد تا نگاه جامع و منسجمی نسبت به این مسئله ترسیم گردد.

فصل اول: معانی، پیشینه و سیر تطوّر بحث رزق

گفتار اول: بررسی لغوی واژه رزق:

رزق در لغت به معنای عطا و نعمت دادن است اعم از این که این نعمت ماکول باشد یا خیر، دنیوی باشد و یا اخروی، مادی باشد و یا معنوی. رزق تفاوت ظریفی با احسان و انعام و اعطاء و انفاق و دیگر مفاهیم مشابه دارد. مصدر آن «رَزَقَ» بفتح راء است و «رِزْقٌ» بکسر راء بمعنی اسم مفعول «مرزوق» بوده و جمع آن «ارزاق» می باشد.

قاموس قرآن، ج ۳، ص: ۸۲ و ۸۳:

رزق: روزی. {كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ}. [بقره: ۶۰].

... خلاصه آنکه رزق عطائی است که از آن منتفع می شوند خواه طعام یا علم و یا غیر آن.

در قرآن مجید گذشته از معنای مشهور به نبوت و علم رزق گفته شده مثل آیه شریفه: {يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا...} [هود: ۸۸]. و همچنین به باران مثل: {هُوَ الَّذِي يَرْيِكُمْ آيَاتِهِ وَيَنْزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا} [غافر: ۱۳]. و گاهی فقط بخوراک اطلاق شده مثل: {وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ...} [بقره: ۲۳۳]. چنانکه می بینیم کسوت را از رزق جدا کرده است.

المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ ج ۲؛ ص ۲۲۵:

رَزَقَ: اللهُ الخَلْقَ (يَرزُقُهُم) و الرَزْقُ بالكسْرِ اسمٌ لِلْمَرْزُوقِ و الجَمْعُ (الأرزاق) مِثْلُ حِمْلٍ و أَحْمَالٍ.

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۴؛ ص ۱۵۵:

و التحقيق: انّ الأصل الواحد فى هذه المادّة: هو انعام مخصوص بمقتضى حال الطرف و مطابق احتياجه لتدوم به حياته، و يكون بالإدراار و بالجريان اللازم. و هذه القيود هى الفارقة بينه و بين مفاهيم الإحسان و الانعام و الإعطاء و الحظّ و النصيب و الإنفاق.

مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ؛ ص ٣٥١

الرِّزْقُ يُقال للعطاء الجارى تارة، دنيويًا كان أم أخرويًا، و للنصيب تارة، و لما يصل إلى الجوف و يتغذى به تارة، يقال: أعطى السلطان رِزْقَ الجند، و رُزِقَتْ علما، قال: {وَأَنْفَقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ} [المنافقون/١٠]، أى: من المال و الجاه و العلم، و كذلك قوله: {وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ} [البقره/٣]، {كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَّا رَزَقْنَاكُمْ} [البقره/١٧٢]، و قوله: {وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ} [الواقعه/٨٢]، أى: و تجعلون نصيبكم من النعمه تحرى الكذب. و قوله: {وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ} [الذاريات/ ٢٢]، قيل: عنى به المطر الذى به حياه الحيوان. و قيل: {وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً} [المؤمنون/١٨]، و قيل: تنبيه أن الحظوظ بالمقادير، و قوله تعالى: {فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ} [الكهف/١٩]، أى: بطعام يتغذى به. و قوله تعالى: {وَالنَّحْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ رِزْقًا لِلْعِبَادِ} [ق/١٠ - ١١]، قيل: عنى به الأغذيه، و يمكن أن يحمل على العموم فيما يؤكل و يلبس و يستعمل، و كل ذلك ممّا يخرج من الأرضين، و قد قيضه الله بما ينزله من السماء من الماء، و قال فى العطاء الأخروي: {وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ} [آل عمران/١٦٩]، أى: يفيض الله عليهم النعم الأخرويّه، و كذلك قوله: {وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا} [مريم/٦٢].

گفتار دوم: پیشینه و سیر تطور بحث رزق:

برای اولین بار در قرن دوم هجری علمای زیدیه به بحث رزق پرداختند. یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم (متوفای ۲۶۸ ق) در کتاب «مجموع رسائل الامام الهادی الی الحق القویم یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم»^(۱) که مجموعه‌ای از مکاتبات و پاسخ‌های مؤلف است از این زاویه به رزق پرداخته که آیا ارزاق نزد خداوند تقسیم شده است؟ آیا روزی‌ها اندازه معینی دارد؟ تعیین‌کننده ارزاق کیست؟

در نیمه اول قرن سوم، ابوالحسن اشعری (متوفای ۳۳۰ ق) در کتاب «مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین»^(۲) دیدگاه معتزله را در اینکه حرام را جزء رزق بحساب نمی‌آورند نقد می‌نماید و می‌گوید که اشاعره، حرام را بعد از اکل و استهلاک آن رزق می‌داند.

در نیمه دوم قرن سوم، ابوبکر رازی حنفی (متوفای ۳۷۰ ق) از علمای ماتریدی در کتاب «شرح بدء الامالی»^(۳) با تکرار مباحث مورد اختلاف، برای اولین بار این بحث را هم مطرح می‌کند که رازق حقیقی کیست؟

در نیمه اول قرن چهارم، قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفای ۴۱۵ ق) در کتاب «شرح الاصول الخمسه»^(۴) تعریف کامل شده‌ای از رزق در نگاه معتزله ارائه می‌دهد، تعریفی که از اشکالات وارده بر تعریف جبائیان خالی است، او رزق را اینگونه تعریف می‌کند: «الرزق هو ما ینتفع به و لیس لاحد المنع منه».

۱. ص ۳۱۲.

۲. ص ۲۵۷.

۳. ص ۹۳.

۴. ص ۵۳۲.

در همین قرن سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ ق) در کتاب «الذخیره فی الکلام»^(۵) دیدگاهی همچون معتزله در تعریف و قیود رزق ارائه می‌دهد و برای اولین بار به بحث رابطه رزق و ملک می‌پردازد. پس از آن، شیخ طوسی در کتاب «الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد»^(۶) به سیر تغییر و تکامل تعریف معتزله از رزق اشاره می‌کند.

تنها کتاب معتبر و مشهوری که از قرن پنجم در دست است، کتاب «حقائق المعرفه فی علم الکلام»^(۷) تألیف احمد بن سلیمان (متوفای ۵۶۶) است که برای اولین بار به ردّ دیدگاه فائل به عدم شمول رزق نسبت به عاصین و گناه‌کاران می‌پردازد و با ارائه روایاتی بر شمول و عمومیت رزق استدلال می‌کند.

در نیمه اول قرن ششم برای اولین بار، دیدگاه اسماعیلیه در باب رزق توسط علی بن ولید (متوفای ۶۱۲ ق) در کتاب «تاج العقائد و معدن الفوائد»^(۸) بیان می‌شود وی تنها از این حیث به بحث رزق می‌پردازد که ارزاق از جانب خداوند است و رازق حقیقی خدا است.

در همین قرن کتاب «مجموع رسائل الامام المنصور بالله»^(۹) توسط منصور بالله (متوفای ۶۱۴) این عالم زیدی مذهب نوشته شده، ایشان به رزق تنها از این زاویه که «هل هو مقسوم من الله ام هو بالحيله و النظر» پرداخته.

در قرن ششم، سیف الدین آمدی (متوفای ۶۲۳ ق) این عالم اشعری در کتاب «ابکار الافکار فی اصول الدین»^(۱۰) به نقد دیدگاه معتزله در خارج کردن حرام، از دایره رزق پرداخته و به تشریح سیر تکمیل تعریف رزق توسط علمای معتزله اشاره می‌کند. ایشان آورده است که ابتدا ابوعلی

۵. ص ۲۶۹.

۶. ص ۱۴۶.

۷. ص ۳۱۷.

۸. ص ۱۵۵.

۹. ج ۲، ص ۱۵۶.

۱۰. ج ۲، ص ۲۲۰.

جبائی معتزلی می گفت که: «الرزق هو الملك سواء كان انتفع به ام لا» و بعد که این تعریف با این مشکل که «عالم ملک خداست ولی رزق او نیست» مواجه شدند، ابوهاشم تعریف را اینگونه تغییر داد «الرزق كل ما يتصور الانتفاع به من مالکة» و این تعریف هم با این اشکال مواجه گردید که «بهائم و چهارپایان رزق دارند ولی مالک رزق خود نیستند». لذا ابوعلی بصری (متوفای ۳۶۹ ق) استاد قاضی عبدالجبار و شاگرد ابو قاسم بن سهلویه (متوفای ۳۶۹ ق) که از شاگردان ابوهاشم جبائی است، تعریفی این‌چنینی از رزق ارائه نمود (الرزق كل ماللحيّ الانتفاع به من غير تعدّ منه) و همین تعریف به عنوان نظریه معتزله نمود پیدا کرده است.

در نیمه دوم قرن ششم، خواجه نصیر طوسی (متوفای ۶۷۲ ق) که از مشاهیر علمای امامیه است در کتاب «تجرید الاعتقاد»^(۱۱) تعریفی نظیر تعریف معتزله از رزق ارائه می‌دهد و برای اولین بار این فرع را طرح می‌کند که (و السعی فی تحصیله قد یجب و یستحب و بیاح و یحرم) و حکم شرعی سعی در تحصیل رزق را به چهار قسم تقسیم می‌کند.

در همین سنوات، محقق حلّی (متوفای ۶۷۶) در کتاب خود «المسلك فی اصول الدین و الرساله الماتعیه»^(۱۲) تعریفی همچون خواجه از رزق ارائه می‌دهد به اینکه (الحرام لا یكون رزقا) اشاره می‌نماید.

در قرن هفتم، علامه حلّی (متوفای ۷۲۶ ق) شارح تجرید الاعتقاد در کتاب «كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد»^(۱۳) ضمن تبیین دیدگاه‌های خواجه نصیر، به این مطلب اشعار دارد که طرح مسئله (و السعی فی تحصیله قد یجب...) توسط خواجه در تجرید الاعتقاد بخاطر ردّ این دیدگاه غلط بعضی صوفیه است که سعی در طلب رزق را حرام می‌دانستند.

۱۱. ص ۲۰۸.

۱۲. ص ۱۱۱.

۱۳. قسم الالهیات، ص ۱۴۲.

در همین قرن علامه حلی در کتاب خود «مناهج الیقین فی اصول الدین»^(۱۴) به تبیین آنچه در کشف المراد آورده بود می‌پردازد.

در قرن هشتم، فاضل مقداد (متوفای ۸۷۶) از مشایخ بنام شیعه در کتاب «ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین»^(۱۵) همان تعریف معتزله و علمای امامیه را تحت عنوان عدلیه مطرح می‌کند و به تفصیل به فروع و سرفصل‌هایی که علامه حلی در کشف المراد آورده بود می‌پردازد. فهرست مطالبی که در این کتاب مطرح شده از این قرار است:

۱. تعریف رزق نزد عدلیه و اشاعره؛ ۲. حرام، رزق نیست؛ ۳. طلب رزق جائز است و این امر می‌تواند موضوع احکام خمس واقع شود اما صوفیه طلب رزق را حرام می‌دانند. ایشان برای اولین بار به این مطلب اشاره می‌کند که (ثم ان الرزق قد یکون تفضلا منه تعالی، بأن لا یکون للمکلف فیه لطف، و قد یکون فیه لطف و ذلک فیما یجتهد فی تحصیله، و وجه لطفیته أن یتحصل للطالب عقیبه، بأن المنافع الدنیویة انما یتحصل بالتعب، ففی الاخریة اولی).

در همین قرن قاسم بن محمد بن علی در کتاب «الاساس لعقائد الاکیاس»^(۱۶) به تبیین همان سرفصل‌هایی می‌پردازد که علامه حلی در شرح تجرید بیان کرده بود.

^{۱۴}. ص ۳۹۸.

^{۱۵}. ص ۲۸۶.

^{۱۶}. ص ۱۰۸.

فصل دوم: نگاهی اجمالی به آیات و روایات پیرامون رزق در قرآن کریم و روایات معصومین ۷

گفتار اول: بررسی آیات پیرامون رزق در قرآن کریم

ریشه [رزق] به أنحاء مختلف در قرآن کریم بیش از صد مرتبه ذکر و به وجوه مختلف آن پرداخته شده است که غالب این آیات و مفاهیم نورانی پیرامون رازقیت خداوند و ایتان رزق مخلوقات می باشد.

ما نیز در این مجال با بررسی آیاتی چند از قرآن کریم که حاوی این ریشه و معنا هستند تا حدودی نظاره گر ماهیت رزق در قرآن کریم خواهیم بود.

۱- {قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْنَ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجِ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يَدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ} [۳۱ - یونس].
{بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشم هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تعبیر می کند؟} بزودی (در پاسخ) می گویند: [خدا]، بگو: [پس چرا تقوا پیشه نمی - کنید؟]. [۳۱ - یونس].

- نکات: همانگونه که در تعریف رزق گذشت، رزق به معنی عطا و بخشش مستمر است و از آنجا که بخشنده تمام مواهب خداست، رازق و رزاق به معنای حقیقی تنها بر او اطلاق می شود و اگر این کلمه در غیر مورد او به کار رود بدون شک جنبه مجازی دارد، چنانچه در آیه [۲۳۳] سوره مبارکه بقره] که در زمینه زنان شیرده می گوید: {وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ}؛ پدران موظفند زنانی را که فرزندانشان را شیر می دهند، به طور شایسته روزی دهند و لباس بپوشانند.

این نکته نیز لازم به ذکر است پیرو آیه شریفه و تفاسیر، بیشتر روزی‌های انسان از آسمان می‌باشد. باران حیات‌بخش از آسمان می‌بارد و هوا که موردنیاز همه موجودات زنده است نیز بر فراز زمین قرار گرفته و از همه مهم‌تر نور آفتاب که حیات‌بخش همه موجودات زنده می‌باشد از آسمان است.

علت تقدم روزی آمدن از آسمان بر روزی آمدن از زمین در آیه فوق از مطالب مذکور قابل برداشت است.^(۱۷)

۲- {وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (۹) وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ (۱۰) رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مِثْلًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (۱۱)} [۱۱، ۱۰ و ۹ - ق].

{و از آسمان آبی پربرکت نازل کردیم و به وسیله آن باغ‌ها و دانه‌هایی را که درو می‌کنند رویانندیم (۹) و نخل‌های بلندقامت که میوه‌های متراکم دارند (۱۰) همه اینها برای روزی بخشیدن به بندگان است و بوسیله باران سرزمین مرده را زنده کردیم. آری زنده شدن مردگان نیز همین‌گونه است}.

نکات: در این آیات، ضمن یادآوری نعمت‌های عظیم خداوند به بندگان و تحریک حس شکرگزاری آنها در مسیر شناخت او به آنها یادآور می‌شود که شما همه‌ساله نمونه معاد را مقابل چشمان خود می‌بینید و از همین طریق می‌توانید به معاد آخرت پی ببرید. در واقع با این آیات می‌توانیم اهمیت رزق خداوند را که به بندگان عطا و عرضه می‌گردد دریابیم، چرا که اصل معاد که از اصول و ضروریات دین است در آیات مزبور با نگرش به وجوه مختلف رزق خداوند به انسان در زمین اثبات و به آن مثال زده شده است و این حاکی از اهمیت رزق خداوند به انسان در دنیا و همه‌جانبه بودن این رزق است.^(۱۸)

۳- {فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ} [۵۰ - حج].

^{۱۷}. جلد اول تفسیر برهان، صفحه ۵۴۳ و جلد دوم، صفحه ۴۵۶ (بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ هـ. ق)؛ بحار الانوار، جلد ۶، صفحه

۱۵۶، و جلد ۶۴، صفحه ۹۲.

^{۱۸}. تفسیر نمونه - جلد هجدهم - صفحه ۱۹۰.

{آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و روزی پرارزشی برای آنان است}.

نکات: با توجه به اینکه در مفهوم رزق می‌توانیم دسته‌بندی‌هایی را برای آن در نظر گرفته و در متون مختلف بیابیم، اینجا نیز در برخورد با عبارت **رزق کریم** نکات شایسته‌ای به ذهن می‌رسد. اولاً همان‌گونه که قید شد رزق انواعی دارد مانند رزق تکوینی و رزق تشریحی و ایضاً اوصافی دارد همچون رزق **حَسَن** و رزق **کریم**.

این آیه به یکی از اوصاف رزق یعنی کرامت در آن اشاره دارد و ما با نظر به این آیه شریفه و سایر آیات قرآن کریم که مفهوم [رزق کریم] در آن آمده است [که مجموعاً پنج آیه شریفه می‌باشند] خواهیم دید که قرآن کریم در واقع چند خط‌مشی مهم با بیان این آیات به ما می‌دهد که عبارتند از؛ اولاً برای دریافت رزق حقیقی از جانب خدا که همان رزق آخرتی می‌باشد باید ایمان به خدا و روز قیامت داشت و اعمال شایسته انجام داد و کافران و ظالمان شامل رزق حقیقی و آخرتی خداوند نخواهند بود. ثانیاً آیات به ما می‌فهمانند که رزق حقیقی و آخرتی خداوند دارای حصر است و فقط مختص بندگان صالح خداست و این نشان از خاص بودن و شرایط داشتن این رزق دارد و ثالثاً آیات شریفه مبین این است که این رزق حقیقی و آخرتی، رزقی از بهترین انواع آن و با بهترین اوصاف آن که رزق کریم نام دارد می‌باشد و به معنی رزق عمومی، گسترده و جامع همه حالات نیکی و پاکی است و به ما می‌آموزد که اگر چیزی از خداوند طلب می‌کنیم رزق کریم آخرتی را طلب کنیم که بهترین بهره‌مندی انسان خواهد بود.

ع- {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ} (۵۶) مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا (۵۷) إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۸) [۵۸، ۵۷ و ۵۶ - ذاریات].

{من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند (۵۶) هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند (۵۷) زیرا تنها خداوند روزی‌دهنده و صاحب قدرت است و ناتوانی در او راه ندارد (۵۸)}.

نکات: در این آیات ابتدا هدف از خلقت انسان بیان شده و در ادامه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید که ذات باری تعالی منزّه است از اینکه نیازمند اطعام و روزی داده شدن باشد، لذا بندگان در کمال بی‌نیازی خداوند، نیازمند عبادت کردن پروردگارند و ایضاً محتاج‌اند که خدای تعالی روزیشان دهد. از آیات فوق درمی‌یابیم که تنها روزی‌دهنده مطلق خداوند است و این خداست که سرمنشأ همه ارزاق و نعمت‌هاست و بندگان برای کسب روزی تنها نیازمند ذات اقدس اویند.

هـ- {وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ} [۷۱ - نحل].

{خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که تلاش‌هایتان متفاوت است) ولی کسانی که برتری داده شدند حاضر نشدند از آنچه روزی داده شده‌اند به بردگان‌شان بدهند تا همگی در آن مساوی شوند، آیا آنان نعمت خدا را انکار می‌کنند؟}.

نکات: با دقت در آیه فوق علاوه بر اینکه وجود داشتن اختلاف در روزی بندگان به سبب اختلاف در نحوه تلاش و کوششان برای کسب روزی استنباط می‌گردد، درمی‌یابیم که تنها عامل تغییر در کمیت و کیفیت این ارزاق خداوند است، یعنی خداست که روزی می‌دهد و خداست که تفاوت‌ها را براساس نحوه عملکرد بنده مشخص می‌کند. در این باره که وظیفه و نقش بنده فقیر و غنی چیست ان‌شاءالله در خلال روایات صحبت خواهد شد.

گفتار دوم: بررسی روایات پیرامون رزق در سخنان معصومین ۷

در اینجا چند روایت که وجوه مختلفی از رزق را برایمان روشن می‌سازد بررسی و مرور می‌کنیم؛

۱- { ... و اعلم یا بَنِيَّ! أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ. فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ... }^(۱۹).
{ ... ای فرزندانم! بدان که رزق، دو رزق است. رزقی که تو دنبال آن هستی و رزقی که آن به دنبال توست، که رزق دوم طوری است که اگر هم بسوی آن نروی، بسوی تو می‌آید... }.

نکات: چنانچه در روایت آمده، دو نوع رزق برای بشر نام برده شده، یکی رزقی که هرچقدر هم انسان دنبال آن باشد به آن نخواهد رسید چرا که برای او مقدر نشده ولی دسته دوم رزقی است که برای انسان مقدر شده و گرچه به دنبال آن هم نرود به او می‌رسد.
در این رابطه نیز خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: { وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا } [هود/۶].

هیچ جنبه‌ای نیست جز اینکه رزقش بر خدا واجب است.
یعنی آن رزق حقیقی که خداوند برای جنبه‌ها تقدیر کرده طوریست که خداوند بر خود واجب کرده که آنرا به موجودات برساند، پس آن رزق که خدا تقدیر کرده است ما را می‌جوید تا به ما برسد.

۲- از پیامبر خدا| داریم: { أَنَّهُ قَالَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا هَرَبَ مِنْ رِزْقِهِ لَأَتَّبَعَهُ رِزْقُهُ حَتَّى يُدْرِكَهُ كَمَا أَنَّ الْمَوْتَ يُدْرِكُهُ }^(۲۰).

{ حتی اگر بنده خدا، از رزقش فرار هم بکند، رزقش او را دنبال می‌کند تا به او برسد، همانطور که مرگ انسان را دنبال می‌کند تا به او برسد }.

^{۱۹}. نامه ۳۱ نهج البلاغه.

^{۲۰}. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۱.

نکات: از این روایت شریفه نیز وجوب رزق گرفتن بنده از خدای متعال برداشت شده، نمایان است. یعنی خدای متعال رزق مقدر بندگان را طوری قرار داده که حتما به بنده برسد حتی اگر بنده از آن فرار هم بکند و خدای تعالی این امر را بر خود لازم و واجب کرده است.

۳- قال ابو عبدالله × : {لو كان العبدُ في حُجْرٍ لأتاه رزقُهُ فأجملوا في الطَّلَبِ}.^(۲۱)

{امام صادق × فرمودند: حتی اگر بنده در اتاق و سرای خود نیز باشد رزق او به سویش می آید، پس در طلب کردن حد اعتدال را رعایت کنید و افراط نکنید}.

نکات: با دقت در این روایت درمی یابیم که انسان باید رزق را به نیکویی و زیبایی طلب کند و اینکه روزی توسط خدا داده می شود و اینکه روزی هر کسی نزد خدا مشخص است و به او داده می شود و سعی در حرام باعث زیادت رزق نیست چون به همان اندازه از حلال کم می شود.

و نیز مفهوم این است که هر انسانی به هر اندازه کار کند رزق می خورد و خداوند رزق بندگان را براساس تلاش و طلبشان مقدر کرده است.

۴- {اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ}.^(۲۲)

{بار خدایا روزی محمد| و خاندان او را در حد نیاز قرار بده}.

نکات: با وجود اینکه دادن رزق به بندگان حتمی و این امری است که خدای تبارک و تعالی بر خود مقدر کرده و نیز بر بندگان است که برای ارتزاق و کسب روزی تلاش و ایضا دعا کنند اما شایسته است که بنده به روزی خود و حد نیازش راضی باشد و از خداوند همان را طلب کند تا خداوند با سهولت بیشتر رزق مقدرش را به وی برساند. تقدیر کلام معصوم[^] بدین سان شاید از این جهت باشد که اگر بنده به روزی مقدر و حد نیازش راضی نباشد و حد بیشتر و

^{۲۱}. الکافی، ج ۵، ص ۸۱، ح ۴ - وسائل الشیعه، ح ۲۱۹۴۲.

^{۲۲}. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۰. (این حدیث در کتب اهل سنت، به مضمون «اللهم اجعل رزق آل محمد قوتا» نیز آمده است.

فراتر را طلب کند هیچ تضمینی نیست که بتواند در رسیدن به رزق حداکثری راه را درست بپیماید و ممکن است خدای ناکرده به بیراهه رود، لذا بهتر است راه احتیاط و قناعت را پیش بگیرد.

۵- {مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَةً} (۲۳)

{کسی که خرسند می‌شود (دوست دارد) اجلش به تأخیر بیفتد و رزقش زیاد شود پس صله- رحم انجام دهد.} (امام حسین ×).

نکات: در این روایت شریفه می‌توانیم به وضوح ارتباط رزق و نیز زیادت آن به اذن خداوند تبارک و تعالی با اعمال ممدوح و مستحب شریعت مقدس را مشاهده کنیم تا جایی که امام حسین × یکی از راه‌های ازدیاد روزی را صله‌رحم می‌دانند و با توجه به عصمت امام × و علم لدنی ایشان صحت این مطلب قطعی است.

لذا این‌گونه نیست که مومن با استناد به آیات و روایات در زمینه حتمی بودن حصول و وصول رزق مقدر بنشیند و دست به کسب و کار نزند، بلکه باید برای روزی حلال خود و ازدیاد آن در حد متعارف تلاش و دعا کند و به شریعت مقدس و اعمال شایسته استمرار بورزد تا ان- شاءالله خدای سبحان نعمات و مرز؟؟؟ را بر وی بهتر و بیشتر ارزانی بدارد. (۲۴)

۳۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹۱.

۳۴. با تفحصی ساده حجم بالایی از آیات و روایات پیرامون رزق در دسترس است لذا ما در این مجال فقط قصد گزیده- گویی چندی از این آیات و روایات را داشتیم آن هم به قصد بررسی وجوهی چندگانه از این حقیقت بی‌بدیل زندگی بشر. برای مشاهده موارد بیشتر مراجعه شود به کتب روایی و حدیثی و ایضا قرآن کریم که بهترین منبع کسب دانش است.

فصل سوم: جمع بندی

گفتار اول: نتیجه گیری

پیرو مباحثی که مطرح شد دانستیم که رزق از اهم مسائلی است که خداوند برای انسان قرار داده و در واقع بشر با این نعمت ارزشمند و موضوع از جانب باری تعالی در این دنیا روزگار می گذراند و نیز در آخرت هم محفوظ خواهد بود.

از اهمّ مسائلی که در باب رزق مطرح می گردد، این است که رازق اصلی خداوند است یا رزق در واقع معلول عمل و تلاش انسان است؟ و نیز نقش و وظیفه انسان در تحصیل رزق خود از رازق حقیقی چیست و چگونه است؟

از آیات و روایات مطروحه درمی یابیم که رازق اصلی خداوند است اگرچه انسان با اعمال و تلاش خویش کمیت و کیفیت رزقش را تعیین می کند ولی در حقیقت این اراده و اذن تبارک و تعالی خداست که رزق را به بنده عنایت می دارد و تمامی اعمال و مجاهدت او را با علم ازلی خویش می داند.

و نیز دانستیم گرچه خداوند رزق را بر بندگان مقدر می نماید و به آنها می رساند اما بنده نیز موظف به تلاش و کوشش و امید داشتن به خدا و همچنین دعا برای کسب رزق خود از باری تعالی است. مثل کارمندی که حقوقش از پیش تعیین شده و هر ماه به حسابش واریز می شود اما هر روز کاری باید در محل کار حضور یافته و خود را به صاحب کار خویش نشان دهد و اصطلاحاً غیبت نخورد و همین برای دریافت حقوق از پیش تعیین شده ماهیانه کافی است.

لذا انسان هم با حضور متعاف و البته مستمر در عرصه تلاش و جهاد برای تحصیل رزق مقدوری خود را از خداوند دریافت می کند و برای افزایش کمیت و کیفیت باید مطابق با خواسته اش تلاش کند.

گفتار دوم: سخن مؤلف

متاسفانه تحلیل‌های غلطی در رابطه با تفاوت فقر و ثروت و نحوه رزق فقیر و غنی موجود است که بر آن شدید مطالبی چند را بنگاریم؛

در این باره دو بینش غلط در رابطه با ثروت داریم، یکی فقیری که فکر می‌کند به نفعش بوده بیشتر داشته باشد و دیگری ثروتمندی که فکر می‌کند دارائیش برایش بزرگی و کمال است. اما این تفکر غلط در سوره مبارکه فجر، آیات ۱۵ تا ۱۸ اصلاح شده است. چنانکه خداوند کریم می‌فرماید: {فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ}؛ یعنی وقتی پروردگار عالم بخواهد انسان را آزمایش کند دو برخورد با او خواهد داشت، در این حال انسان ثروتمند می‌گوید پروردگارم مرا اکرام کرد و یا انسان را فقیر می‌سازد و فقیر می‌گوید پروردگارم به من اهانت نمود (به سبب فقر و تنگدستی‌ام).

خداوند پس از طرح این دو حالت می‌فرماید: {كَلَّا} (هرگز)؛ {بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ* وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ} (بلکه شما با ثرونتان باید وسیله اطعام یتیمان و مسکینان را فراهم سازید نه اینکه تصور کنید خداوند بوسیله ثروت شما را محترم و با فقر بندگان را پست شمرده است). (۲۵)

با نگاهی درست درمی‌یابیم که باید دیدمان را صحیح و خود را آغشته به کلام قرآن و اهل بیت کنیم تا دچار این لغزش‌ها نگشته، مسیر را گم نکنیم.

درواقع خلاصه بحث رزق به اعتماد به خدا برمی‌گردد، ما می‌دانیم رازق کیست و وظیفه‌مان چیست اما آن اعتماد، توکل و تویض را برای خود حاصل نکردیم. شاید اگر پدری به فرزندش بگوید من فلان مبلغ را به تو عطا می‌کنم تا ازدواج کنی سریعاً اقدام کند اما اینکه خداوند فرمود روزی تو با من، چنانچه در تنگدستی احساس نیاز کردی ازدواج کن این کار را انجام ندهد.

امیدوارم به حدی از اعتماد به خدا برسیم که رزق را در اعتماد به او و اعتماد او را در یقین دانستن اخذ رزق بدانیم چرا که این دو مفهوم با هم تعالی پیدا می‌کنند.

در پایان بزرگ‌ترین دستاورد این مباحث را اینگونه بیان کنیم که:
«بار الها رزقت را در آمدن حجت عج و در آمدنش به تو اعتماد داریم».

فهرست منابع و مآخذ

۱. قاموس قرآن، قرشی، علی‌اکبر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ هـ. ش.

٢. المصباح المنير، فيومي، احمد بن محمد، مؤسسه دار الهجرة، قم، چاپ دوم.
٣. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، مصطفى، حسن، دارالكتب العلميه - مركز نشر آثار علامه مصطفى، بيروت - قاهره - لندن.
٤. مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهاني، حسين بن محمد، دارالقلم، بيروت، چاپ اول.
٥. يحيى بن حسين بن قاسم بن ابراهيم ، مجموع رسائل الإمام الهادي إلى الحق القويم يحيى بن الحسين بن قاسم بن ابراهيم، به تحقيق عبدالله شاذلي و تقديم مجدالدين مويدى، مؤسسه الإمام زيد بن علي، صنعاء، چاپ اول، ١٤٢١ هـ. ق.
٦. مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، ابوالحسن اشعري، آلمان - ويسبادن، فرانس شتاينر، چاپ سوم، ١٤٠٠ هـ. ق.
٧. شرح بدء الأمل، ابوبكر احمد رازي حنفي، به تحقيق ابو عمرو حسيني، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤٢٢ هـ. ق.
٨. الذخيره في علم الكلام، شريف، مرتضى، به تحقيق سيد احمد حسيني، قم، مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤١١ هـ. ق.
٩. الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد، شيخ طوسى، بيروت، دارالأضواء، چاپ دوم، ١٤٠٦ هـ. ق.
١٠. الإرشاد إلى قواطع الأدله فى أول الاعتقاد، عبدالملك جوينى، تعليق از زكريا عميراث، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١٦ هـ. ق.
١١. حقائق المعرفه فى علم الكلام، احمد بن سليمان، صنعاء، مؤسسه الإمام زيد بن علي، چاپ اول، ١٤٢٤ هـ. ق.
١٢. تاج العقائد و معدن الفوائد، على بن وليد، تحقيق از دكتور عارف تامر بيروت، مؤسسه عزالدين، چاپ دوم، ١٤٠٣ هـ. ق.

١٣. مجموع رسائل الإمام المنصور بالله، منصور بالله، به تحقيق عبدالسلام وجيه، صنعاء، مؤسسه الإمام زيد بن علي، چاپ اول، ١٤٢٢ هـ. ق.
١٤. أبحاث الأفكار في أصول الدين، سيف الدين آمدى، به تحقيق احمد محمد مهدى، قاهره، دارالكتب، ١٤٢٣ هـ. ق.
١٥. تجريد الاعتقاد، خواجه نصير الدين طوسى، به تحقيق حسينى جلالى، دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ١٤٠٧ هـ. ق.
١٦. المسلك في أصول الدين و الرسالة الماتعية، محقق حلى، به تحقيق رضا استادى، مجمع البحوث الإسلاميه مشهد، چاپ اول، ١٤١٤ هـ. ق.
١٧. كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد قسم الالهيات، علامه حلى - آيت الله سبحانى، قم، مؤسسه امام صادق ×، چاپ دوم، ١٣٨٢ هـ. ش.
١٨. مناهج اليقين في أصول الدين، علامه حلى، دار الأسوة، تهران، چاپ اول، ١٤١٥ هـ. ق.
١٩. إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين، به تحقيق سيد مهدى رجائى، فاضل مقداد، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى ره، ١٤٠٥ هـ. ق.
٢٠. الأساس لعقائد الأكياس، تعليق از محمد قاسم عبدالله، قاسم بن محمد بن علي، صعده، مكتبه التراث الإسلامى، چاپ سوم، ١٤٢١ هـ. ق.
٢١. توضيح المراد، سيد هاشم حسينى تهرانى، تهران، انتشارات مفيد، چاپ سوم، ١٣٦٥ هـ. ش.
٢٢. شرح العقائد النسفيه، به تحقيق دكتور حجازى سقا، سعد الدين تفتازانى، قاهره، مكتبه الكليات الأزهرية، چاپ اول، ١٤٠٧ هـ. ق.

۲۳. شرح المقاصد، مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر عبدالرحمن عمیره، سعد الدین تفتازانی، قم، الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۲۴. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، بتحقیق و تصحیح غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۵. تفسیر برهان: بحرانی، سید هاشم، موسسه الرساله، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲۶. تفسیر نمونه: مکارم شیرازی، ناصر، دارالکتب الإسلامیه، تهران - ایران، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۲۷. اصول کافی: کلینی، محمد بن یعقوب، دارالکتب الإسلامیه، تهران - ایران، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۲۸. بحار الانوار: مجلسی، محمد باقر، موسسه الوفاء، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲۹. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، آل البيت، لإحياء التراث، قم - ایران، ۱۴۰۹ هـ. ق.